

بررسی و مدل سازی کمی آب های زیرزمینی (مطالعه موردی: دشت نیشابور)

آرش حسین سربازی^{۱*} - کاظم اسماعیلی^۲

* نویسنده مسئول، دانشجوی ارشد سازه های آبی دانشگاه آزاد arash_sarbazi11@yahoo.com

^۲ - دانشیار گروه مهندسی آب دانشگاه فردوسی مشهد

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۰/۹

تاریخ دریافت: ۹۱/۴/۱۷

چکیده

شرایط اقلیمی مناطق خشک، ساکنان این مناطق را به استفاده بیشتر از آب های زیرزمینی وادار کرده است. بر این پایه به دلیل اهمیت منابع آب، در این تحقیق کمیت آب های زیرزمینی دشت نیشابور در طی سال های ۱۳۸۱ الی ۱۳۸۷ مورد ارزیابی قرار گرفت. برای دستیابی به این هدف نرم افزار Visual MODFLOW مورد استفاده قرار گرفت. نتایج نشان داد ضرایب هیدرودینامیک دشت نیشابور نسبتاً بالا می باشند. این خصوصیت می تواند در اجرای طرح های تغذیه مصنوعی در این دشت بسیار مؤثر باشد. همچنین به دلیل وجود همبستگی بالا بین داده های مشاهده شده و محاسبه شده از مدل، نتایج واسنجی در تمامی چاه های مشاهده ای قابل قبول می باشد. بررسی ها نشان داد که سطح آب زیرزمینی در دشت نیشابور به دلیل برداشت بیش از اندازه از سفره به شدت افت کرده است. افت سطح آب در مناطق مختلف بر اساس میزان تغذیه و تخلیه آبخوان متفاوت است. بررسی نقشه هم ارتفاع سنگ کف آبخوان دشت نیشابور نشان می دهد که بستر از پستی و بلندی های زیادی برخوردار است و به حالت مقعر در آمده است. میزان تغذیه محاسبه شده در پایین دست ارتفاعات بینالود نسبت به سایر مناطق بیشتر است که احتمالاً به علت سیلاب های فصلی است که از ارتفاعات وارد این منطقه می شوند. نتایج نشان داد با ادامه روند تخلیه چاه های منطقه در بعضی مناطق کمیت و کیفیت آب زیر زمینی کاهش می یابد.

کلید واژه ها: منابع آب زیرزمینی، کمیت آب زیرزمینی، دشت نیشابور، نرم افزارهای شبیه سازی، Visual MODFLOW.

Investigation and Quantitative Modeling of Groundwater (Case study: The Plain of Neyshabour)

A. Hosein Sarbazy¹ and K. Esmaili²

1- M.Sc. in Water Structures, Water Engineering Department, University of Azad

2- Associated Professor, Water Engineering Department, Ferdowsi University of Mashhad

Received: 8 July 2012

Accepted: 30 Dec 2012

Abstract

Inhabitants of the arid climate have led to greater use of groundwater. On this basis because of the importance of water resources, the quantity of groundwater in the plain of Neyshabour during 2002 to 2008 was evaluated. Visual MODFLOW software was helpful in this regard. The results showed that hydrodynamic coefficients are relatively high in plain of Neyshabour. This property can be very effective in the fields of artificial recharge projects. Also due to the high correlation between observed and calculated data from the model calibration, results are acceptable in all observation wells. Studies showed that groundwater in the plain of Neyshabour has dropped highly due to the excessive travel, drop in water levels in different regions according to different feeding and discharging aquifer. The map of stone floor level shows that the context of the postal and the mountain aquifer Neyshabour is high and concave mode. Feeding rate calculated in the Binalood lower elevation are more than other areas due to seasonal flooding into this area are flowing of the highlands. The results showed a continuing trend of regional drainage wells in some areas, so groundwater quality and quantity is reduced

Key words: Groundwater resources, Groundwater quantity, Neyshabour's plain, Simulation softwares, Visual MODFLOW.

مقدمه

لزوم شناخت و بهره‌برداری بهینه از آب‌های زیرزمینی از آنجا ناشی می‌گردد که این منابع ۹۹ درصد از کل آب‌های شیرین قابل استفاده را تشکیل می‌دهند. اوضاع جوی و زمین‌ساختی مناطق خشک، ساکنان این مناطق را به بهره‌برداری بیشتر از آب‌های زیرزمینی واداشته و پایه‌های بسیاری از اجتماعات بشری بر آن استوار گشته است و این منابع از عوامل توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق خشک و نیمه خشک محسوب می‌شوند (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۳). کشور ما ایران نیز اگرچه دارای مناطق مرتفع و یا ساحلی با میزان بالای نزولات جوی است و لیکن با توجه به مساحت وسیعی که دارد، در کل جزء مناطقی می‌باشد که دارای رژیم آب و هوایی خشک و نیمه خشک بوده و طبیعی است در چنین وضعیتی برنامه‌ریزی‌های متعدد کارشناسی همگام و به موازات پیشرفت روش‌های مطالعاتی در مسائل آبی جزء پیش شرط‌های لازم جهت توسعه پایدار می‌باشد.

یکی از راهکارهای مهم در این رابطه تنظیم و تدوین مطالعات مربوط به ممنوعیت بهره‌برداری از منابع آب زیرزمینی در دشت‌های مختلف می‌باشد. در سال‌های اخیر به دلیل برداشت بی‌رویه از منابع آب به خصوص چاه‌ها به علت‌های گوناگون مانند توسعه صنعتی، رشد بی‌رویه جمعیت، کاهش نزولات جوی، خشکسالی‌ها و غیره، مسئله کم‌آبی حادث شده و در نتیجه ضرورت مطالعات دقیق و راهبردی ممنوعیت بهره‌برداری برای جلوگیری از ایجاد تنش در آبخوان‌های آبرفتی اجتناب ناپذیر می‌باشد. آب‌های زیرزمینی به عنوان یک منبع مهم برای مصارف آشامیدنی، دام و اهداف کشاورزی و صنعت در مناطق خشک و نیمه خشک می‌باشد. در چنین مناطقی به علت اینکه بارندگی‌ها محدود و تبخیر و تعرق از میزان بالایی برخوردار می‌باشد منابع آب سطحی، منابع قابل اطمینانی برای تأمین آب نمی‌باشند در نتیجه در این مناطق بیشتر روی منابع آب‌های زیرزمینی تکیه می‌شود. به همین دلیل برای تأمین آب در این مناطق لازم است پیش‌بینی دقیقی از نوسانات سطح آب زیرزمینی انجام شود تا بتوان از آن در برنامه‌ریزی تأمین آب قابل اعتماد در مدیریت منابع آب سود جست.

نوسانات سطح آب زیرزمینی برای برنامه‌ریزی سیستم‌های زهکشی در حوضه‌های روستایی، از اهمیت به‌سزایی برخوردار هستند. در همین راستا ووزکوئز آمبیل و انگل^۱ (۲۰۰۵) در تحقیقی به پیش‌بینی سطح آب زیرزمینی با استفاده از مدل SWAT پرداختند. نتایج این مدل نشان داد عملکرد آن برای این منظور تقریباً ضعیف بوده و ضریب تبیین برای چاه‌های در نظر گرفته شده در داخل حوضه آبریز رودخانه موسکوکا^۲ در جنوب غربی ایندیانی^۳ آمریکا برای دوره آزمون برابر ۰/۶۱، ۰/۳۶ و ۰/۴ بوده است.

راترمن و همکاران^۴ (۲۰۰۵) برای جلوگیری از اتلاف وقت و هزینه، مدلی از ترکیب نرم افزارهای Matlab و ArcView برای مدل‌سازی تغییرات سطح آب زیرزمینی ارائه کردند. مدل فوق که برای استان اوترخت^۵ در کشور هلند توسعه یافته است قابلیت مدل‌سازی تغییرات سطح آب زیرزمینی به صورت سه بعدی و حتی چهار بعدی را نیز دارد. سیبرت^۶ و همکاران (۱۹۹۸) از مدل TOPMODEL برای پیش‌بینی سطح آب زیرزمینی به صورت توزیعی استفاده نمودند. هرچند مدل برای پیش‌بینی سطح آب در هر نقطه به تنهایی عملکرد خوبی نشان داد، ولی عملکرد مدل فوق برای به دست آوردن ضرایب هیدرودینامیکی حوضه رضایت بخش نبود. مانزیون^۷ و همکاران (۲۰۰۶) در حوضه آبریز رودخانه جاردیم^۸ واقع در برزیل از مدل PIRFICT برای تعیین مناطقی که با خطر کمبود آب در آینده مواجه خواهند شد، استفاده کردند. به دلیل تأثیر مستقیم بارندگی و رواناب بر سطح آب زیرزمینی از متغیرهای مذکور به عنوان پارامترهای ورودی مدل استفاده کردند. نتایج نشان داد که مدل فوق عملکرد بسیار خوبی داشته و از آن می‌توان به عنوان ابزاری مناسب برای پیش‌بینی تغییرات سطح آب زیرزمینی استفاده کرد. کاووداس و همکاران^۹ (۱۹۹۴) تغییرات سطح آب زیرزمینی را به منظور احداث معدن ذغال سنگ جدید در حوضه پتولرنایس^{۱۰} در یونان پیش‌بینی نمودند. برای این کار یک مدل تحلیلی جریان ناحیه‌ای بر مبنای روش اجزاء محدود توسعه داده و از آن برای پیش‌بینی افت سطح آب زیرزمینی استفاده کردند. نتایج نشان داد که افت سطح آب زیرزمینی تا بالای ۲۶۰ متر در حال حاضر اقتصادی نبوده و این افت از نظر زمانی نیازمند دوره یک تا دو ساله می‌باشد. دالیاکاپولوس و همکاران^{۱۱} (۲۰۰۴) به بررسی شبکه عصبی مصنوعی در پیش‌بینی سطح آب زیرزمینی در دشت مسرا^{۱۲} واقع در کرت^{۱۳} یونان پرداختند. برای این منظور از شبکه عصبی پیشخور، بازگشتی و تابع شعاعی استفاده کردند. نتایج آن‌ها نشان داد که شبکه عصبی با دقت خوبی قادر به پیش‌بینی سطح آب زیرزمینی برای یک ماه آینده است. در تحقیق دیگری کولیبابالی و همکاران^{۱۴} (۲۰۰۱) به کمک چهار مدل شبکه‌های عصبی تأخیر زمانی، شبکه عصبی بازگشتی، شبکه عصبی تابع شعاعی عمومی و شبکه عصبی احتمالاتی نوسانات سطح آب زیرزمینی دشت گندو^{۱۵} در شمال غرب بورکینافاسو^{۱۶} پرداختند. نتایج به دست آمده حاکی از آن بود که

- 4- Raterman
- 5- Utrecht
- 6- Seibert et al.
- 7- Manzione
- 8- Jardim
- 9- Kavvadas et al.
- 10- Ptolernais
- 11- Daliakopoulos et al.
- 12- Messra
- 13- Crete
- 14- Coulibaly et al.
- 15- Gondo
- 16- Burkina Faso

- 1- Vazquez-Amabile and Engel
- 2- Muskoka
- 3 - Indiyani

کریس جرج^۷ در زلاندنو را مدل سازی کردند. آن‌ها برای مدل سازی از داده‌های ماهیانه ۱۵۷ چاه تأمین آب شرب شهر استفاده کردند. آن‌ها با استفاده از روش مدل سازی معکوس و نرم افزار PEST پارامترهای هدایت هیدرولیکی و میزان تغذیه را تخمین زدند. سپس با استفاده از نرم افزار MODPATH و داده‌های ۳۱ چاه انتخابی خطوط جریان آب زیرزمینی را شبیه‌سازی کردند. در تحقیق دیگری ون و همکاران^۸ (۲۰۰۷) با مدل سه بعدی FEFLOW حوضه آبریز ژانگ جی^۹ در شرق چین را در شرایط غیرماندگار مدل نمودند. سطح پیرومتریک این دشت به دلیل برداشت بی رویه از آب‌های زیرزمینی دچار افت قابل توجهی شده بود. آن‌ها مدل را برای چهار سال (۲۰۰۰-۱۹۹۷) واسنجی نموده و سپس با دو سناریو سطح آب را برای سی سال (۲۰۳۰-۲۰۰۰) پیش‌بینی نمودند. در سناریوی اول فرض شد که میزان تخلیه از دشت تحت شرایط فعلی ادامه پیدا کند. سناریوی دوم این بود که میزان تخلیه از تمام دشت سالیانه از $2/17 \times 10^6$ فعلی به $0/25 \times 10^6$ متر مکعب در سال کاهش پیدا کند. نتایج آن‌ها نشان داد که در سناریوی اول بیشترین میزان افت ۳۰ متر در جنوب حوضه در سال ۲۰۳۰ خواهد بود. در حالی که در سناریوی دوم مقدار افت در جنوب حوضه به ۲۴ متر می‌رسد. همچنین در سناریوی دوم، مشخص شد که در قسمت‌های میانی حوضه سطح آب ثابت باقی می‌ماند.

با در نظر گرفتن مطالب مرور شده می‌توان چنین استنباط کرد که به دلیل اهمیت به سزای منابع آب زیرزمینی پیش‌بینی و مدل سازی کمی و کیفی این منابع می‌تواند کمک شایانی در مدیریت و برنامه‌ریزی استفاده از این منابع آبی نماید. میانگین آب قابل دسترس در هر منطقه، مقدار ثابت و مشخصی است در حالی که تقاضا برای آب، به دلیل افزایش روز افزون رشد جمعیت افزایش می‌یابد. دشت نیشابور از جمله دشت‌های بزرگ استان خراسان رضوی است که از نظر کشاورزی و اقتصادی جایگاه مهمی در این استان دارد. از همین رو، ضروری به نظر می‌رسد که مشکل کمبود آب و نقش عوامل مختلف انسانی و طبیعی که در بروز این بحران مؤثرند و مشکلات و پیامدهای ناشی از این کم آبی در منطقه بیشتر مورد بررسی قرار گیرد. برای این امر ابتدا یک پیش‌بینی دقیق از سطح آب زیرزمینی در دشت نیشابور انجام خواهد گرفت.

مواد و روش‌ها

منطقه مورد مطالعه

حوزه آبریز دشت نیشابور، جزئی از حوضه آبریز کالشر نیشابور است که از شمال به خط الرأس ارتفاعات بینالود، از شرق به بلندی‌های لیلاجوق و یال پلنگ و از جنوب به تپه ماهورهای نیزه بند، سیاه کوه و کوه نمک و از غرب به حوزه آبریز دشت سبزوار

پیش‌بینی انجام شده توسط شبکه عصبی بازگشتی بهتر از سایر مدل‌ها بوده است و می‌توان آن را به عنوان یک مدل مناسب برای پیش‌بینی سطح آب زیرزمینی در فصل خشک برای سه ماه آینده به کار برد. شبکه‌های عصبی تأخیر زمانی و احتمالی با وجود اختلاف اساسی آن‌ها در نحوه یادگیری تقریباً نتایج مشابهی داشتند و مدل تابع شعاعی عمومی نیز در مقایسه با سایر مدل‌ها عملکرد خیلی ضعیف داشته که ممکن است به خاطر وجود اغتشاش در اطلاعات باشد.

مهجوری و همکاران (۱۳۸۵) از مدل الگوریتم ژنتیک و شبکه‌های عصبی مصنوعی برای مدیریت کمی و کیفی منابع آب زیرزمینی شهر کاشان استفاده کردند. نتایج آن‌ها مشخص کرد که شبکه‌های مورد استفاده دارای پتانسیل بالا برای برنامه‌ریزی جامع در زمینه بهره‌برداری کمی و کیفی آبخوان شهر کاشان است. سیادت مقدم (۱۳۸۲) وضعیت تراز سطح آب زیرزمینی را تا فروردین سال ۱۳۹۰ در مشهد پیش‌بینی نمود. بر اساس پیش‌بینی مدل، چنانچه حوادث هیدرولوژیکی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۲ دوباره از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۰ به وقوع بپیوندد و شاهد خشکسالی‌های شدید باشیم، به طور متوسط سطح آب زیرزمینی محدوده مدل در طی این دوره هشت ساله، حدود ۱۱/۵ متر افت خواهد کرد. البته توزیع این افت یکسان نبوده به طوری که مناطق شرق مشهد بین ۱/۵ تا ۵ متر و مناطق مرکزی شهر ۵ تا ۱۵ متر افت خواهند داشت. مدل سه بعدی تفاضل محدود MODFLOW توسط مکدونالد و هارباگ^۱ در سال ۱۹۹۸ ارائه شده است. این مدل سه بعدی جریان غیر ماندگار در محیط متخلخل اشباع، غیراشباع، غیر همگن و غیر ایزوتروپ می‌باشد (کرسیک^۲، ۱۹۹۷) که به طور گسترده‌ای مورد استفاده پژوهشگران در سراسر دنیا قرار گرفته است. تاد و کنس^۳ (۲۰۰۱) برای مشخص کردن محدوده تغذیه کننده چاه‌های آب شرب شهر استروگن بای^۴ در ویسکانسین^۵ آمریکا، آب‌های زیرزمینی زیرزمینی این منطقه را با نرم افزار Modflow شبیه سازی کردند. این محققان مدل را در دو حالت ماندگار و غیرماندگار اجرا کردند و نهایتاً با توجه به نتایج به دست آمده از مدل و مقایسه آن‌ها با داده‌های مشاهداتی به این نتیجه رسیدند که برای منطقه مذکور اجرای این مدل در حالت غیر ماندگار، بازتاب بهتری از رفتار آبخوان ارائه می‌دهد. همچنین از نتایج اجرای مدل مشخص شد که ناحیه تغذیه کننده چاه‌ها، در فاصله ۱۰ کیلومتری شمال شهر تا ۷ کیلومتری جنوب شهر قرار دارد و زمان پیمایش از نواحی تغذیه تا همه چاه‌ها عموماً کمتر از یک سال است. تورلی و کالاندر^۶ (۲۰۰۵) با استفاده از نرم افزار Visual Modflow آب‌های زیرزمینی شهر

- 1 - Mc donald and Harburg
- 2 - Neven Kresic
- 3 - Todd and et al.
- 4- Sturgeon Bay
- 5- Wisconsin
- 6- Thorley and Callander

7- Chrischurch
8- Wen et al.
9- Zhangye Wtershed

جدول ۱- مشخصات ایستگاه های هواشناسی مورد استفاده

نام ایستگاه	مختصات جغرافیایی		ارتفاع از سطح دریا	مختصات محلی	
	طول	عرض		X	Y
پنگجه آبشار	۵۸ ۵۰ ۱۵	۳۶ ۴۹ ۴۵	۱۶۸۳	۶۱۲۷۰۰	۰۷۶۶۷۳
بار اریه - چهار باغ	۵۸ ۳۳ ۴۲	۳۶ ۲۷ ۲۱	۱۵۹۶	۶۵۳۱۴۵	۰۳۶۱۸۳
عشق آباد نیشابور	۵۸ ۴۸ ۴۲	۳۶ ۶۵۷	۱۱۶۶	۶۷۰۶۶۳	۹۹۴۱۴۱
فدیشه	۵۸ ۵۸ ۲۵	۳۶ ۱۱۱	۱۰۸۱	۶۲۹۱۱۰	۹۸۷۰۹۰
محمد آباد نیشابور	۵۸ ۴۸ ۴۲	۳۶ ۶۵۷	۱۱۱۳	۶۵۴۱۹۰	۹۹۸۱۵۳

داده های هواشناسی

برای مطالعه شاخص های هیدرولیک آب های زیرزمینی و ارتباط بین کمیت و کیفیت آب زیرزمینی دشت نیشابور از داده های ماهیانه اندازه گیری و ثبت شده ی بارش، دما، تبخیر در تمامی ایستگاه های منطقه نسبت به استخراج مقادیر فصلی و سالیانه آن اقدام شد. نام و مختصات جغرافیایی و ارتفاع از سطح دریا برای ایستگاه های مورد مطالعه در جدول (۱) آمده است.

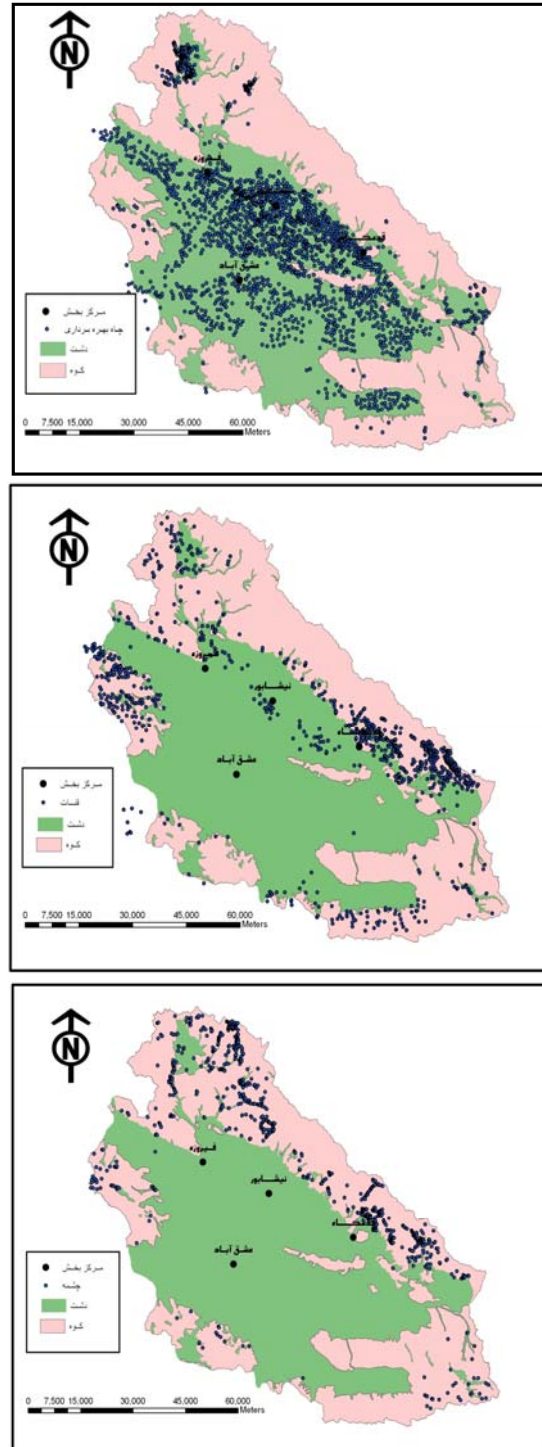
داده های آب زیرزمینی

داده های مربوط به آب زیرزمینی دشت نیشابور از واحد آب منطقه ای استان خراسان رضوی دریافت شد. این داده ها شامل ارتفاع سطح آب در چاه های پیژومتر (سال های ۱۳۶۶ الی ۱۳۸۷) و در برخی از سال ها (سال های ۷۴-۱۳۷۳ و ۸۲-۱۳۸۱) در چاه های کشاورزی، آبدهی چشمه ها و قنوت و همچنین تعداد آن ها می باشد. پراکنش ایستگاه های دارای آمار پیژومتر و چاه هایی که اطلاعات سطح آب در آن ها ثبت شده است در شکل (۱) نشان داده شده است. همان طور که در شکل مشخص است پراکنش در اطراف مرزهای حوضه کمتر از قسمت مرکزی می باشد (شکل ۱). دلیل این امر می تواند برداشت بیشتر از قسمت مرکزی دشت و مرتفع بودن قسمت های مرزی دشت باشد. استحصال آب زیرزمینی عمدتاً از طریق چاه های بهره برداری و سپس قنوت صورت می گیرد، به طوری که از مجموع تخلیه سالیانه کل این محدوده، حدود ۸۵ درصد متعلق به چاه های بهره برداری است. عمده آب زیرزمینی استحصال شده توسط قنوت جهت مصارف کشاورزی بوده که در مجموع ۹۰۹ قنات در محدوده مورد مطالعه وجود دارد. با توجه به نقشه منابع آب، قنوت عمدتاً در دامنه ارتفاعات شمال شرقی تا شمال غرب دشت و سپس ارتفاعات جنوبی قرار دارد. تخلیه سالیانه از طریق قنوت با مجموع آبدهی لحظه ای ۳۷۶۰ لیتر در ثانیه حدود ۱۱۹ میلیون متر مکعب می باشد. نتایج حاکی از این است که مقدار حداکثر، متوسط و حداقل آبدهی قنوت به ترتیب برابر با ۵/۲۲، ۹۰ و ۰/۱ لیتر در ثانیه است. همچنین باید اشاره داشت که ۱۸۸ رشته قنات فاقد داده های ثبت شده هستند. متوسط عمق مادر چاه و طول قنوت به ترتیب برابر با ۱۹ و ۱۰۵۳ متر می باشد. لازم به ذکر است که از مجموع ۱۸۸ رشته قنات فاقد داده های ثبت شده، ۱۵۹ رشته در

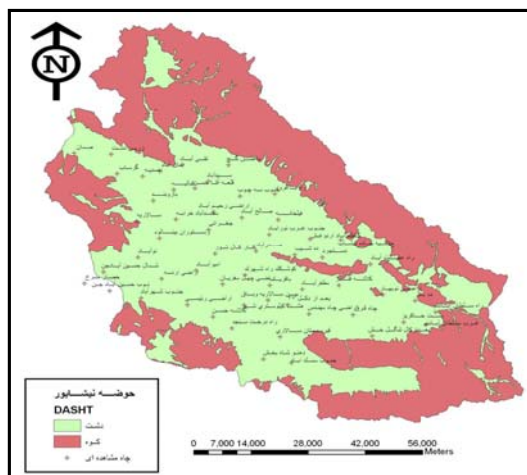
محدود می شود (ولایتی، ۱۳۷۹). این حوضه در طول جغرافیایی ۱۷ ۵۸ تا ۳۰ ۵۹ و عرض جغرافیایی ۴۰ ۳۵ تا ۳۹ ۳۶ واقع شده است. وسعت کل حوزه ی آبریز دشت نیشابور حدود ۷۳۵۰ کیلومتر مربع می باشد که ۳۱۶۰ کیلومتر آن را ارتفاعات و بقیه آن یعنی ۴۱۹۰ کیلومتر مربع را دشت تشکیل می دهد. بلندترین نقطه منطقه در ارتفاعات بینالود واقع بوده که از سطح دریا ۳۳۰۰ متر ارتفاع دارد. پایین ترین نقطه خروجی در محل خروجی دشت (حسین آباد جنگل) قرار دارد که حدود ۱۰۵۰ متر از سطح دریا بلندتر است (ولایتی، ۱۳۷۰). بدین ترتیب دشت نیشابور از همه طرف به حصار کوهستانی و تپه های نسبتاً مرتفعی محدود است و هرچه از اطراف به سمت مرکز دشت حرکت کنیم از ارتفاع آن کاسته شده، سرانجام در قسمت جنوب غربی دشت، در محل خروجی رودخانه ی کالشور نیشابور به دشت سبزوار، به حدود ۱۰۵۰ متر می رسد. شیب عمومی دشت نیشابور شرقی غربی است و علاوه بر آن، قسمت عمده ی دشت و به ویژه قسمت های شمالی آن نیز دارای شیبی با جهت شمالی - جنوبی می باشد. آب و هوای منطقه نیمه خشک تا خشک بوده و میانگین درجه حرارت ماهانه ایستگاه بار (معرف مناطق کوهستانی) ۱۳ درجه سانتی گراد و در ایستگاه محمد آباد - فدیشه (معرف مناطق دشتی) ۱۳/۸ درجه سانتی گراد است. با وجود اختلاف کم دما بین ارتفاعات و دشت، آب و هوای حوضه در شمال و جنوب آن به شدت متغیر می باشد، به طوری که در شمال که هوا کوهستانی است هوا نسبتاً سرد با تابستان ملایم و به طرف جنوب و غرب هوای آن گرم تر می شود که می تواند ناشی از وسعت زیاد حوضه باشد. متوسط بارندگی در کل حوضه معادل ۲۳۴ میلی متر است، هرچند میزان بارندگی در نقاط مختلف آن متفاوت بوده، به طوری که در ارتفاعات بلند بینالود مقدار آن حداکثر به ۶۰۰ میلی متر و در سطح دشت به مراتب کمتر از آن است. در فصل زمستان، نزولات جوی در ارتفاعات بینالود بیشتر به صورت برف است و برف های بینالود را تا اوایل تابستان می توان مشاهده کرد. میزان تبخیر به علت بالا بودن درجه حرارت هوا زیاد می باشد، به طوری که متوسط تبخیر برای کل حوضه حدود ۲۳۳۵ میلی متر در سال گزارش شده است (ایزدی، ۱۳۸۷).

(خارج از محدوده مدل‌سازی)، لذا میزان تخلیه آن‌ها تأثیر چندانی در نتایج مدل ندارد. بررسی‌ها مشخص نمود که تخلیه آب زیرزمینی از طریق چشمه‌ها در محدوده مورد مطالعه نیز عمدتاً جهت مصارف کشاورزی می‌باشد. با توجه به نقشه منابع آب، پراکندگی چشمه‌ها

محدوده مدل‌سازی قرار دارد. پراکندگی قنات‌های در محدوده مورد مطالعه در شکل (۱) نشان داده شده است. البته لازم به ذکر است که چون تعداد چشمه‌ها و قنات در محدوده دشت، نسبت به چاه‌های بهره‌برداری بسیار کمتر بوده و اکثر آن‌ها در ارتفاعات قرار دارند



شکل ۱- موقعیت مکانی چاه‌های بهره‌برداری، چشمه و قنات بر مبنای آمار برداری سال ۱۳۸۱-۱۳۸۲



شکل ۲- توزیع مکانی پیزومترها در محدوده دشت نیشابور

تراکم و توزیع آن ها چندان رضایت بخش نیست. مشکل اصلی در قسمت جنوبی دشت و حوضه کوچکی در شمال دشت و همچنین جنوب شرقی دشت می باشد که در این قسمت ها چاه مشاهده ای وجود ندارد. به همین دلیل این بخش ها، از محدوده مورد مطالعه حذف گردیدند و تبدلات آن ها با آبخوان لحاظ شد. در این بخش ها، شرایط مرزی از نوع مرز هیدرولیکی با شدت جریان معلوم، حاکم است. خطوط جریان و هم پتانسیل از روی نقشه سطح ایستایی مشخص شده است. میزان جریان ورودی یا خروجی از این مرزها توسط خطوط هم پتانسیل محاسبه و در سلول های مربوطه توسط چاه های تغذیه و تخلیه وارد مدل شد.

آماده سازی داده ها

در تحلیل داده های مکانی مانند ارتفاع سطح پیزومتریک فرضیات بنیادی نظیر نرمال بودن، خلاءهای آماری و وجود داده های پرت (ناهمخوان با سایر داده ها) باید مورد بررسی قرار گیرد زیرا تحلیل های آبی بر پایه فرضیات فوق بنا نهاده شده است. پس از آماده سازی زمانی داده های هر ایستگاه مشخص شد برای سه ایستگاه در برخی از سال ها کمبود محدود آماری بود که از روش حداقل مربعات و رگرسیون، سری داده ها تکمیل گردید. تبعیت داده اصلی از توزیع نرمال به وسیله آزمون کلمگروف-اسمیرنوف^۱ و همگنی آن ها به وسیله آزمون ران^۲ در نرم افزار SPSS 16 بررسی شد.

مطالعات زمین شناسی

زمین شناسی زیرسطحی شامل بررسی نوع و جنس لایه های تشکیل دهنده آبخوان، عمق، جنس و توپوگرافی سنگ کف، منطقه های ناپیوستگی موجود در آبخوان، دانه بندی رسوبات تشکیل

عمدتاً محدود به ارتفاعات شمالی دشت (ارتفاعات بینالود) می باشد. تخلیه سالیانه از طریق ۹۲۹ دهانه چشمه با مجموع دبی لحظه ای ۱۹۳۷ لیتر در ثانیه حدود ۶۱ میلیون متر مکعب است. نتایج کسب شده از آب منطقه ای نشان داد که حداکثر، متوسط و حداقل آبدهی لحظه ای چشمه ها به ترتیب ۲۵۰، ۲/۱۴ و ۰/۰۵ لیتر در ثانیه می باشد. باید اشاره کرد که ۲۲ دهانه چشمه فاقد اطلاعات آماری هستند. همچنین لازم به ذکر است که بیشتر تخلیه چشمه ها از مخازن سازندی واقع در ارتفاعات شمالی دشت بوده که برابر ۵۷/۵ میلیون متر مکعب می باشد، صورت می گیرد. با توجه به اینکه تقریباً تمامی چشمه ها در محدوده کوه ها قرار دارند (شکل ۱) فقط میزان تخلیه از چشمه هایی که در محدوده دشت قرار داشتند وارد مدل شدند.

چاه های مشاهده ای

طبق بررسی های انجام شده، تعداد چاه های مشاهده ای تحت نظارت امور مطالعات منابع آب خراسان در دشت نیشابور در سال ۱۳۴۵ حدود ۴۵ حلقه بوده که در سال های بعد به تدریج بر تعداد آن ها افزوده شده است و طی سال های ۶۸-۱۳۶۷ حدود ۱۵ حلقه چاه حفر شده و در سال های ۷۵-۱۳۷۴ نیز تعداد ۵ حلقه چاه جدید دیگر حفر شده است. چاه های جدید در قبال خشک و یا مسدود شدن چاه های قبلی (اکثراً دستی و با عمق کم) و یا اینکه به منظور تکمیل شبکه چاه های مشاهده ای دشت حفر شده است. در حال حاضر مجموع ۵۷ حلقه چاه مشاهده ای در سطح دشت وجود دارد. لازم به ذکر است که در ۵۰ حلقه از این چاه ها آمار بیش از ۱۰ سال موجود می باشد، اما در ۷ حلقه چاه جدید فقط آمار سه ساله موجود است. شکل (۲) بیانگر توزیع مکانی پیزومترها در دشت نیشابور می باشد. همان طور که در شکل (۲) مشاهده می شود اگر چه تعداد چاه های مشاهده ای موجود در سطح دشت قابل توجه می باشد اما

1-Kolmogorov-Smirnov

2-Run test

وسعت حوضه مدل ساخته شده به وسیله شبکه ای از مربع‌هایی به ابعاد 1000×1000 متر تشکیل شده است. نهایتاً برخی از سلول‌های فعال که در آن‌ها چاه‌های مشاهداتی و بهره‌برداري قرار دارند، جهت دستیابی به نتایج بهتر به ابعاد کوچک‌تر (250×250 متر) تقسیم گردیدند. تراز سطح آب زیرزمینی در دشت نیشابور، همان طور که در قبل نیز گفته شد در تعداد ۴۹ چاه پیژومتر اندازه‌گیری شده است.

شرایط مرزی^۱

حل معادلات دیفرانسیل جزئی آب‌های زیرزمینی از طریق عددی مستلزم تعیین شرایط مرزی از نظر هیدرولیکی و استفاده از اطلاعات موجود در این مرزها می‌باشد. شرایط مرزی به دو دسته مرزهای فیزیکی (واقعی) و مرزهای هیدرولیکی (مصنوعی) تقسیم می‌شود. مرزهای فیزیکی^۲ سیمای مشخص زمین شناسی و هیدرولوژیکی هستند که بطور دائم بر الگوی جریان آب زیرزمینی مؤثر می‌باشند. مرزهای هیدرولیکی از شبکه جریان آب زیرزمینی به دست می‌آیند، در نتیجه مرزهای مصنوعی^۳ هستند که توسط طراح مدل ایجاد می‌شوند. برای مشخص کردن مرزها ابتدا محدوده مورد مطالعه را در نرم افزار ArcGIS طراحی و تصویر حاصل را با پسوند dxr ذخیره نموده و سپس در نرم افزار MODFLOW در قسمت IBOUND از طریق گزینه Option/Maps به صورت پس زمینه وارد می‌شود و مرز را در شبکه‌بندی اعمال کرده و سلول‌هایی از مرزها که خارج از محدوده می‌باشند به صورت غیر فعال (کد صفر) انتخاب می‌شود تا در محاسبات اعمال اثر نکنند. در این تحقیق لایه‌های مربوط به بخش فوقانی و تحتانی آبخوان نیز به دلیل نیاز مدل‌های عددی آب‌های زیرزمینی به تخصیص ارتفاع لایه تحتانی و فوقانی، در مدل وارد شد. چون داده‌های موجود غالباً محدود به نقاط پراکنده هستند، تخمین (میان یابی) مقادیر پارامتر برای هر سلول، امری ضروری است. آرایه‌های پارامتری را می‌توان با استفاده از گزینه Field Interpolator در منوی اصلی نرم افزار و یا میان یابگرهای خارجی مثل Surfer تعریف کرد و سپس به مدل وارد نمود.

از آنجایی که آبخوان دشت نیشابور از نوع آزاد می‌باشد، سطح زمین، قسمت فوقانی آبخوان را تشکیل می‌دهد؛ لذا با استفاده از نقشه‌های توپوگرافی منطقه با مقیاس ۱:۲۵۰۰۰ و ارتفاع مطلق (نسبت به سطح دریا)، نقشه توپوگرافی سطح آبخوان تهیه گردید. ارقام ارتفاعی موجود به صورت فایل grid برای بلوک‌ها به مدل وارد گردید. مرز تحتانی آبخوان را عمدتاً سطحی‌ترین لایه نفوذ ناپذیر در نظر می‌گیرند که سنگ کف نامیده می‌شود. نقشه سنگ کف نیز با کم کردن عمق سنگ کف در محل سونداژهای الکتریکی، از توپوگرافی سطح زمین که در مرحله تولید مدل مفهومی تهیه شده بود، به صورت فایل GRD وارد مدل گردید.

دهنده آبخوان و ضرایب قابلیت انتقال، هدایت هیدرولیکی و آبدی و ویژه می‌باشد که معمولاً توسط عملیات ژئوفیزیک، حفاری اکتشافی و آزمایش های پمپاژ تعیین می‌گردد. مطالعات ژئوفیزیک دشت نیشابور با روش ژئوالکتریک و به وسیله شرکت ژنرال ژئوفیزیک طی دو مرحله در سال‌های ۱۳۴۵ و ۱۳۴۶ انجام گرفته است. در مطالعات مرحله اول تعداد ۱۴۵ سونداژ با طول فرستنده جریان ۲۰۰۰ متر ($AB=2000$) بر روی ۱۳ پروفیل (با امتداد شمال شرق - جنوب غرب) انجام شده است. فاصله پروفیل‌ها از یکدیگر هفت کیلومتر بوده و سطحی معادل ۳۰۰۰ کیلومتر مربع را پوشش می‌دهند. طی مطالعات مذکور به طور کلی یک سونداژ در هر ۲۰ کیلومتر مربع برداشت شده است. همچنین علاوه بر این نقشه‌ها، از عملیات ژئوفیزیکی که به طور محلی توسط مطالعه پرونده تعدادی از چاه‌های کشاورزی و آب شرب که تاسنگ کف حفاری شده بودند، نقشه‌ای از سنگ کف در دشت مورد مطالعه تهیه شد. لازم به ذکر است که چون نقشه مرز کوه و دشت نیز موجود بود در مرز کوه خطوط AecGIS و دشت، ضخامت آبرفت مساوی صفر قرار داده شد و سپس با مجموعه این نقاط توسط نرم‌افزار خطوط هم مقدار ضخامت آبرفت در محدوده دشت ترسیم گردید.

آزمایش های پمپاژ و تعیین ضرایب هیدرودینامیک

با مراجعه به امور آب شهرستان نیشابور و بررسی پرونده چاه‌ها، موقعیت مکانی ۳۰ حلقه از این چاه‌ها مشخص گردید. همچنین با استفاده از نظر متخصصین و کارشناسان، چند نقطه کمکی نیز به این نقاط اضافه شد و سپس با مجموع این نقاط که دارای توزیع نسبتاً مناسبی بودند خطوط هم مقدار قابلیت انتقال و ضریب ذخیره رسم شدند.

مدل سازی کمی آب های زیرزمینی

از جمله کدهایی که کاربردهای گسترده‌ای داشته و از مقبولیت بالایی نزد هیدروژئولوژیست‌ها برخوردار بوده کد MODFLOW می‌باشد که توسط سازمان زمین شناسی آمریکا ارائه شده است. رابط‌های گرافیکی گوناگونی برای این کد تهیه شده‌اند. دلیل اصلی مقبولیت این کد (هر چند نمی‌توان آن را برای همه موارد تخصصی مطالعه مدل پیشنهاد نمود) این است که برای راه حل‌های تحلیلی گوناگونی ارزیابی و کنترل شده و سامانه‌های هیدروژئولوژیکی مختلفی در سراسر جهان را شبیه‌سازی نموده است. همچنین نرم افزارهای مختلف آن ارزان و در دسترس همگان می‌باشد. از جمله ویژگی‌های دیگر MODFLOW می‌توان به ساختار مدولی آن اشاره نمود. بدین ترتیب که می‌توان برای فرآیندهای خاص هیدرولوژیکی مدول خاصی را فعال یا غیرفعال نمود. همچنین مدل‌های جدیدی برای مسایل مربوط به جریان (مثل اندرکنش جریان رودخانه با آبخوان) یا روش‌های عددی جدید در حال توسعه می‌باشند. این دلایل سبب شده MODFLOW از سوی بسیاری از سازمان‌ها به عنوان نرم‌افزار برتر مورد استفاده قرار گیرد. با توجه به

1- Boundary conditions
2- Physical boundaries
3- Artificial boundaries

گام زمانی

آمار چاه‌های مشاهده‌ای در دشت نیشابور به صورت ماهیانه برداشت شده است، همچنین پس از بررسی آمار چاه‌های بهره‌برداری مشخص شد که در اکثر این چاه‌ها، برداشت آب در ۲۷۰ روز از سال انجام می‌گیرد. بنابراین در این مدل از دوره‌های زمانی ۳ ماهه و گام زمانی ۳۰ روزه استفاده شد.

پارامترهای هیدرولیکی

سطح ایستابی شهرپور ۱۳۸۱ به عنوان بار هیدرولیکی اولیه در محل گرہ‌ها استفاده شده که این ارقام به صورت فایل gtd وارد مدل گردید. قبلاً ذکر شد، در کل حوضه نیشابور ۵۷ حلقه چاه مشاهده‌ای وجود دارد که از این تعداد دو حلقه در خارج از محدوده مورد نظر می‌باشد، همچنین چون برای هفت حلقه از این چاه‌ها فقط آمار سه ساله برداشت سطح آب مربوط به سال‌های ۸۷-۱۳۸۵ موجود می‌باشد لذا برای شبیه‌سازی مدل از ۴۹ حلقه چاه مشاهده‌ای استفاده شد. با توجه به اینکه آزمایش‌های پمپاژ کمی در دشت نیشابور انجام شده است، پس ضریب هدایت هیدرولیکی در ضمن واسنجی مدل توسط کد PEST تخمین زده شد. در دشت نیشابور محاسبه آبدهی ویژه با استفاده از آزمایش پمپاژ در چاه‌های اکتشافی و چند چاه کشاورزی انجام گرفته است. این داده‌ها در ضمن واسنجی مدل در شرایط غیر ماندگار تصحیح شدند. در طول دوره انتخابی برای مدل‌سازی، دو بار در سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۷ میزان برداشت چاه‌های بهره‌برداری دشت نیشابور ثبت شده است. با توجه به اینکه اطلاعات موجود در زمینه آمار تخلیه چاه‌ها به صورت دبی لحظه‌ای می‌باشد و همچنین ساعات کارکرد چاه‌های بهره‌برداری با توجه به نیازهای کشاورزی برای ماه‌های مختلف سال متفاوت است، بنابراین نمی‌توان دبی سالیانه را به طور یکنواخت بین تمام روزهای سال تقسیم کرد. از آنجایی که بر طبق آمار اکثر چاه‌های بهره‌برداری ۲۷۰ روز در سال از آب زیرزمینی برداشت می‌کنند و نیز به دلیل آنکه بیش از ۹۵ درصد این چاه‌ها، کشاورزی هستند میزان تخلیه روزانه این چاه‌ها برای نه ماه از سال که برداشت آب جهت کشاورزی صورت می‌گیرد، اعمال گردید و فرض شد که در سه ماه آذر، دی و بهمن برداشتی صورت نمی‌گیرد. سال‌های بین ۱۳۸۱ و ۱۳۸۷ با میان‌یابی میزان برداشت در این سال‌ها مشخص و به مدل اعمال گردید. برای اعمال تخلیه چاه‌ها و قنات‌ها در ابتدا توسط نرم افزار ArcGIS نقشه موقعیت مکانی چاه‌ها و قنات‌ها را رسم و با پسوند Dxf ذخیره شد، سپس در نرم افزار MODFLOW در بسته Well از طریق گزینه Option/Maps به صورت پس زمینه وارد مدل شد و تخلیه روزانه هر چاه به سلول متناظر با آن اختصاص یافت. لازم به ذکر است که تخلیه قنات‌ها نیز از طریق بسته Well در مدل اعمال می‌شود.

در ادامه با توجه به نقشه هم عمق آب زیرزمینی دشت نیشابور، سطح آب زیرزمینی در عمقی بیش از پنج متر از سطح زمین قرار دارد، بنابراین تبخیر از آب زیرزمینی انجام نمی‌گیرد. در نرم افزار

MODFLOW به دو طریق می‌توان آب برگشتی از چاه‌ها را اعمال نمود روش اول اینکه مقداری را که در حد معقول باشد (با توجه به الگوی کشت و میزان تبخیر و تعرق) از دبی خروجی چاه‌ها کسر شود، که این روش به علت کثرت چاه‌ها بسیار وقت گیر می‌باشد؛ لذا با توجه به اینکه آب پمپاژ شده از چاه‌های کشاورزی در محدوده همان چاه و آب خروجی از قنات‌ها در محدوده قنات استفاده می‌شود، به همین دلیل تغذیه حاصل از آب برگشتی کشاورزی از میزان تخلیه سالانه آن‌ها کسر شده و عدد حاصل به عنوان تخلیه به مدل اعمال شد.

واسنجی

جهت واسنجی در شرایط ماندگار، دوره‌ای که در آن تغییرات سطح آب ناچیز است انتخاب شد. لذا می‌توان فرض کرد که در این دوره بین میزان تغذیه و تخلیه آبخوان تعادل برقرار است، لذا میزان تخلیه چاه‌های بهره‌برداری و میزان تغذیه آبخوان برابر در نظر گرفته می‌شود و در معادله حاکم بر آبخوان این دو پارامتر حذف می‌گردند. بنابراین میزان تغذیه آبخوان و تخلیه چاه‌ها به مدل وارد نمی‌شود و مدل در این دوره در حالت ماندگار واسنجی گردیده و تنها مجهول معادله در حالت ماندگار، یعنی ضریب هدایت هیدرولیکی آبخوان، توسط کد PEST تخمین زده می‌شود. متأسفانه در دشت نیشابور انتخاب دوره‌ای که در آن بتوان تغییرات سطح آب را ناچیز در نظر گرفت میسر نگردید. حتی دوره‌های که تقریباً چنین شرایطی را داشتند انتخاب شد و وارد مدل گردید اما به دلیل گستردگی حوضه مدل قادر به اجرای آن در این شرایط نبود و ظاهراً فرض در نظر گرفته شده در مورد شرایط ماندگار درست نبود. بنابراین به ناچار واسنجی مدل در شرایط غیر ماندگار انجام شد.

جهت واسنجی در شرایط غیر ماندگار همان طور که گفته شد بعد از مشخص شدن حساسیت بیشتر مدل نسبت به پارامتر آبدهی ویژه ابتدا با وارد کردن حد بالا و پایین و فرض یک مقدار اولیه (با توجه به نتایج آزمایش‌های پمپاژ) پارامتر آبدهی ویژه توسط کد PEST تخمین زده شد. سپس با وارد کردن مقادیر آبدهی ویژه محاسبه شده در مرحله قبل مقدار هدایت هیدرولیکی نیز توسط کد PEST تخمین زده شد. در نهایت با وارد کردن این دو پارامتر مقدار تغذیه برای هر یک از قسمت‌ها محاسبه شد.

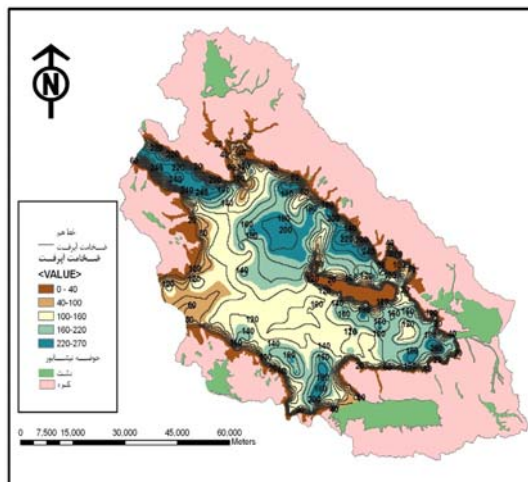
صحت‌سنجی

برای صحت‌سنجی مدل آب زیرزمینی دشت نیشابور ابتدا سطح آب برای ۱۲ ماهه مهر ۱۳۸۴ تا شهریور ۱۳۸۵ توسط مدل پیش‌بینی شد و نتایج به دست آمده با آمار مشاهداتی مقایسه گردید.

نتایج و بحث

تهیه نقشه سنگ کف

پس از جمع‌آوری اطلاعات مربوط به ضخامت آبخوان پهنه بندی سنگ کف در دشت نیشابور توسط نرم افزار ArcGIS صورت



شکل ۳- نقشه ضخامت آبرفت در محدوده دشت نیشابور (فاصله خطوط هم مقدار به متر)

گردید. همان طور که در شکل (۴-ب) مشاهده می شود مقدار ضریب ذخیره از ۲ تا ۱۸ درصد تغییر می کند. همانند مقدار قابلیت انتقال، میزان ضریب ذخیره نیز در جنوب دشت و همچنین در دامنه ارتفاعات بینالود زیاد می باشد.

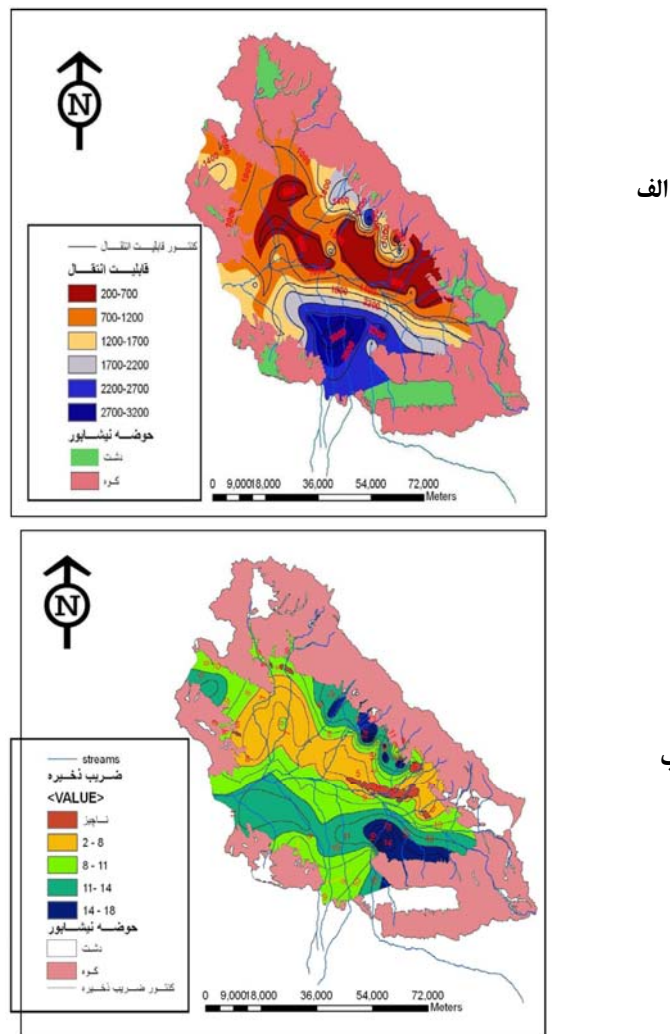
عمق سطح ایستابی و تراز آب زیرزمینی

با توجه به آمار و داده های چاه های مشاهده ای نقشه هم عمق مهر ماه ۱۳۸۵ نیز با روش Spline برای محدوده آبخوان دشت نیشابور ترسیم شده است (شکل ۵-الف). ملاحظه می شود که به طور کلی در محدوده جنوب و جنوب شرقی، عمق سطح آب زیرزمینی حداکثر بوده که به تدریج به سمت نواحی مرکزی آبخوان و حوالی کال شور از عمق سطح آب کاسته می شود. حداکثر عمق سطح آب در محدوده آبخوان حدود ۱۵۰ متر و مربوط به چاه های مشاهده ای بعد از (کال تنگل خشک) و غرب (سلطان آباد نمک) می باشد. حداقل عمق نیز ۵ تا ۱۰ متر و در محدوده مرکز آبخوان و حوالی کال شور (پیژومتر کنار کال شور) رخ داده است. عمق سطح آب تابعی از عوامل تغذیه، تخلیه، توپوگرافی سطح زمین، دانه بندی و ضرایب هیدرودینامیک آبخوان می باشد. در پهنه آبخوان آبرفتی دشت نیشابور دانه بندی رسوبات آبخوان در حواشی دشت نسبت به بخش های مرکزی بهتر (دانه درشت تر) بوده و به سمت کال شور به تدریج ریزتر می شود. اندازه گیری مقادیر عمق سطح آب از طریق ۵۷ حلقه چاه مشاهده ای فعال در شبکه رفتارسنجی سطح آب زیرزمینی دشت نیشابور به صورت ماهانه انجام و پس از بازسازی آمار چاه های مشاهده ای، اقدام به درون یابی عمق سطح ایستابی در سطح دشت گردید. برای تولید سطح پیوسته آب زیرزمینی، در نرم افزار ArcGIS اقدام به پهنه بندی سطح ایستابی با استفاده از روش Spline گردید. پس از تولید لایه سطح ایستابی، خطوط هم تراز ماهانه آب زیر زمینی رسم گردید. که نمونه ای از آن ها برای

گرفت. مدل رقومی ارتفاعی سنگ کف با استفاده از روش Spline در نرم افزار فوق با شبکه بندی 50×50 تهیه شد و در انتها خطوط هم مقدار ضخامت آبرفت رسم گردید. برای تهیه نقشه سنگ کف مقادیر ضخامت آبرفت در محدوده مورد مطالعه از توپوگرافی سطح زمین کم شد تا نقشه سنگ کف منطقه به دست آمد که این نقشه به عنوان لایه تحتانی آبخوان وارد مدل گردید. نقشه ضخامت آبرفت در محدوده دشت نیشابور در شکل (۳) نشان داده شده است که در آن ضخامت آبرفت از صفر تا ۲۷۰ متر تغییر می کند. در پای ارتفاعات بینالود به دلیل وجود مخروط افکنه ها میزان ضخامت آبرفت زیاد بوده و با حرکت به سمت شرق از میزان آن کم می شود. گذشته از مرزهای آبخوان و همچنین کوه های میان دشت، در غرب دشت (حسین آباد جنگل) میزان ضخامت آبرفت نسبت به سایر مناطق بسیار کم می باشد. بررسی عمق چاه های این منطقه نیز این واقعیت را اثبات کرد، چرا که چاه های عمیقی که در این منطقه حفر شده بودند نیز از عمق بسیار کمی برخوردار بودند. همچنین در همین راستا می توان به فرو رفتگی های دیگری در جنوب، و شمال غرب آبخوان اشاره نمود.

تعیین ضرایب هیدرودینامیک

پس از جمع آوری اطلاعات، پهنه بندی این ضرایب در سطح دشت نیشابور انجام و در شکل (۴-الف) نشان داده شده است. مشاهده می گردد قابلیت انتقال از مقدار ۲۰۰ تا ۳۲۰۰ متر در روز تغییر می کند. بیشترین مقادیر قابلیت انتقال در جنوب دشت و در مسیر مسیل هایی است که از سمت دشت رخ وارد حوضه آبریز نیشابور می شود. در دامنه ارتفاعات بینالود نیز به دلیل وجود مخروط افکنه های موجود، مقادیر نسبتاً بالای قابلیت انتقال مشاهده می شود. برای تعیین ضریب هدایت هیدرولیکی و وارد نمودن آن به نرم افزار PMWIN، مقادیر قابلیت انتقال بر ضخامت لایه اشباع تقسیم



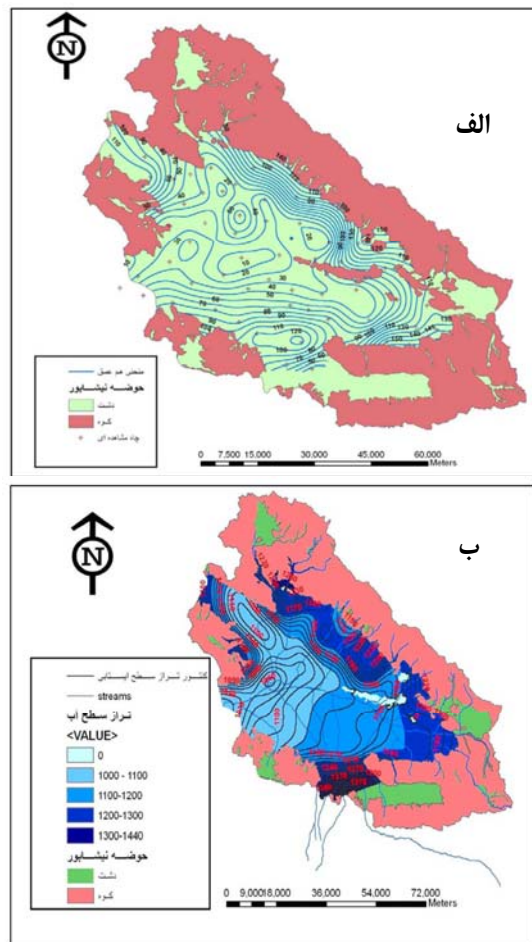
شکل ۴- الف) نقشه هم مقدار قابلیت انتقال (متر مربع بر روز) در مهر ۱۳۸۵ در محدوده دشت نیشابو
ب) ضریب ذخیره آبخوان در مهر ۱۳۸۵ در محدوده دشت نیشابو

می شود. به طور کلی می توان گفت جهت عمومی جریان آب زیرزمینی در پهنه آبخوان آبرفتی دشت نیشابور شرقی - غربی و در امتداد کال شور می باشد.

نتایج آنالیز حساسیت

به منظور شناسایی حساسیت بخش های مختلف آبخوان نسبت به عوامل ورودی، ابتدا منطقه مورد مطالعه به ۴۹ ناحیه تقسیم شد به نحوی که در هر ناحیه فقط یک چاه مشاهده ای وجود داشته باشد، سپس با تغییر عوامل ورودی از قبیل ضریب هدایت هیدرولیکی و آب دهی ویژه، میزان بار آبی محاسبه شده توسط مدل با مقادیر مشاهداتی مقایسه شد و مقادیر خطای RMSE و MAE محاسبه

مهرماه ۱۳۸۵ در شکل (۵-ب) نمایش داده شده است. این نقشه نشان می دهد که آبخوان دشت نیشابور از سمت شمال، شمال غرب، شمال شرق، شرق و جنوب تحت تأثیر تغذیه زیرزمینی قرار دارد. مقدار تغذیه مذکور در بخش های مختلف آبخوان متغیر بوده و بستگی به جنس سازند سخت حاشیه آبخوان آبرفتی، دانه بندی رسوبات آبخوان، شیب هیدرولیکی ایجاد شده و ... دارد. با توجه به نقشه های هم تراز سطح ایستابی، جهت جریان آب زیرزمینی در محدوده شمال دشت ابتدا شمالی - جنوبی بوده که به تدریج با نزدیک شدن به مرکز دشت و حوالی کال شور، جهت شرقی - غربی بخود می گیرد. در محدوده شمال شرق و شرق دشت جهت عمومی جریان شرقی - غربی می باشد. در ناحیه شمال غرب آبخوان جهت جریان در ابتدا شمال غرب - جنوب شرق بوده که با نزدیک شدن به محدوده خروجی آب زیرزمینی جهت آن به تدریج به سمت غرب متمایل



شکل ۵- (الف) منحنی‌های هم‌عمق و (ب) تراز سطح ایستابی آب زیر زمینی در محدوده دشت نیشابور در مهر ماه ۱۳۸۵

همان‌طور که ملاحظه می‌شود مقادیر ضرایب هیدرودینامیک در قسمت مرکزی دشت کم بوده و در جنوب و جنوب شرق دشت دارای بیشترین مقدار می‌باشند. همچنین در پای ارتفاعات بینالود نیز به دلیل وجود مخروط افکنه‌ها این ضرایب دارای مقادیر بالایی می‌باشند. بیشترین مقدار آب‌دهی ویژه به میزان ۱۶ درصد در محل پیژومتر شماره ۳۶ در جنوب شرق دشت و کمترین مقدار آن به میزان ۴ درصد در محل پیژومترهای ۱۱، ۱۶ و ۴۵ می‌باشد. همچنین بیشترین مقدار ضریب هدایت هیدرولیکی به میزان ۲۰ متر بر روز در محل پیژومتر ۲۱ در جنوب غربی دشت و کمترین مقدار به میزان ۰/۵ متر بر روز در محل پیژومتر ۴۵ در مرکز دشت می‌باشد.

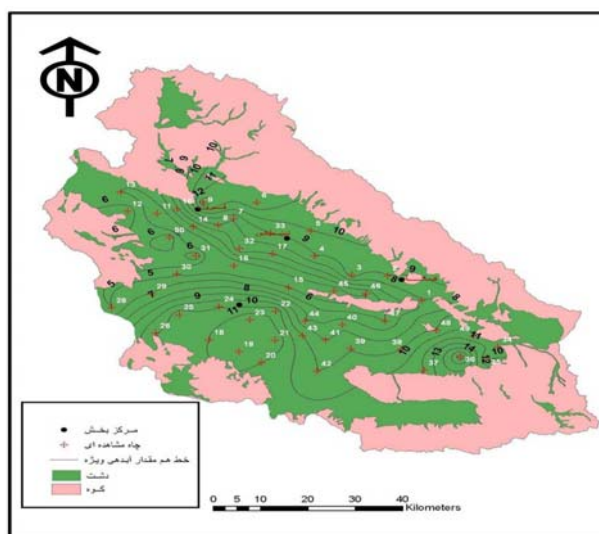
تخمین میزان تغذیه آبخوان

برای واسنجی مدل از آمار سطح آب شهریور ۱۳۸۱ تا شهریور ۱۳۸۶ استفاده شد. با داشتن ضرایب هیدرودینامیکی و فرض ثابت بودن میزان تخلیه چاه‌های پمپاژی اقدام به واسنجی مدل و برآورد

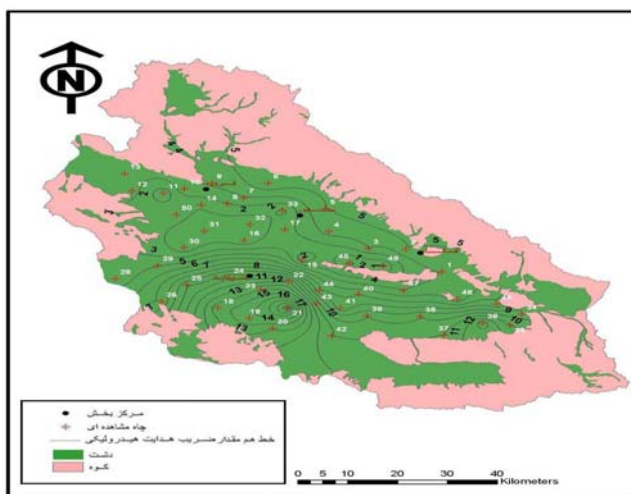
گردید. برای انجام آنالیز حساسیت مقادیر ۱۰، ۲۰ و ۳۰ درصد افزایش و کاهش در عوامل ورودی در نظر گرفته شد. نتایج نشان داد که مدل بیشترین حساسیت را به پارامتر آب‌دهی ویژه دارد.

واسنجی مدل

در این مطالعه واسنجی مدل در سه مرحله انجام پذیرفت که تمام آن‌ها در شرایط غیر ماندگار اجرا گردید. مرحله اول تخمین آب‌دهی ویژه (Sy) آبخوان (با توجه به حساسیت بیشتر مدل نسبت به این پارامتر)، مرحله دوم تخمین ضریب هدایت هیدرولیکی و مرحله سوم تخمین میزان تغذیه آبخوان می‌باشد. در شکل (۶) خطوط هم مقدار آب‌دهی ویژه و همچنین خطوط هم مقدار ضریب هدایت هیدرولیکی بعد از واسنجی مدل نشان داده شده است. نتایج مشخص نمود که مقدار آب‌دهی ویژه در مرکز دشت کمتر از سایر نقاط می‌باشد.



الف



ب

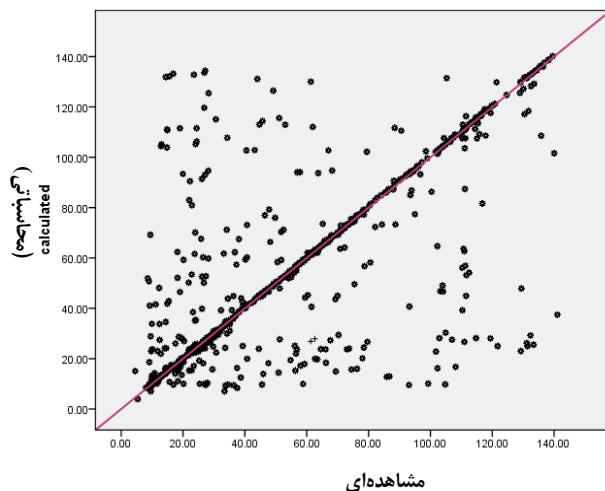
شکل ۶- الف) خطوط هم مقدار آبدی ویژه (درصد) بعد از واسنجی مدل و ب) خطوط هم مقدار ضریب هدایت هیدرولیکی (متر در روز) بعد از واسنجی مدل

باشد، به مدل وارد گردید. به عنوان نمونه هیدروگراف محاسبه شده توسط مدل برای دوره صحت سنجی در چاه های مشاهده ای در شکل (۸) آورده شده است. اختلاف بین داده های محاسباتی و مشاهداتی بیشتر به دلیل عدم آگاهی از میزان تغذیه آبخوان است چرا که میزان تغذیه در طول دوره واسنجی توسط کد PEST تخمین زده شده است و برای دوره صحت سنجی نیز از میزان تغذیه سال قبل (۸۶-۱۳۸۵) استفاده شده است. در مجموع مدل واسنجی شده به خوبی توانسته است شرایط حاکم بر آبخوان را شبیه سازی کند. بنابراین از مدل ساخته شده می توان برای پیش بینی تغییرات سطح آب زیرزمینی در آینده استفاده کرد، همچنین می توان با تعریف کردن شرایط مختلف تغذیه و برداشت، نتایج حاصل از اعمال گزینه های مدیریتی گوناگون را بررسی کرد.

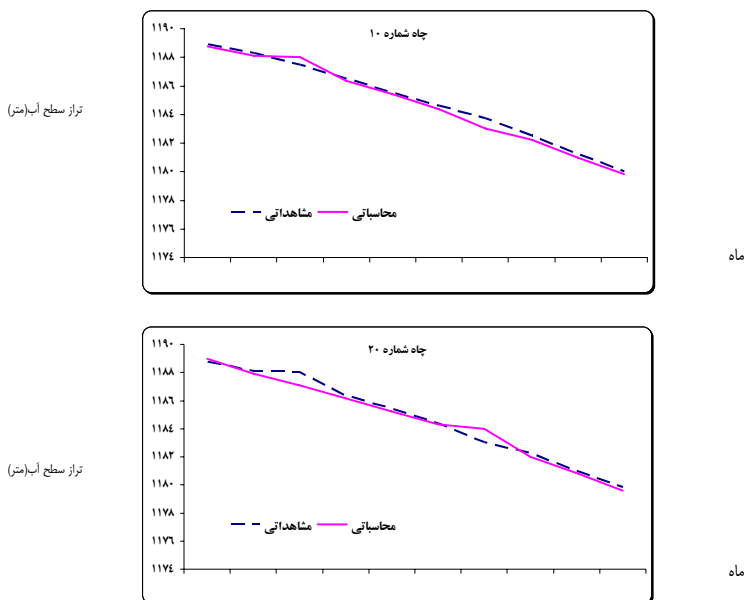
میزان تغذیه دشت گردید. بر اساس تشابه رفتار چاه های مشاهده ای و نقشه های زمین شناسی، منطقه به ۴۹ قسمت تقسیم گردید. مقادیر تغذیه در این ۱۵ دوره سه ماهه با استفاده از بسته Recharge و میزان حدس اولیه ۰/۰۰۱ متر بر روز توسط شماره پارامتر به کد PEST معرفی گردید. نتایج واسنجی به صورت همبستگی بار آبی محاسباتی و مشاهداتی برای کلیه پیزومترها در شکل (۷) آورده شده است.

صحت سنجی

برای اطمینان از مدل ساخته شده در آبخوان دشت نیشابور لایه های اطلاعاتی مورد نیاز برای ۱۲ ماه (مهر ۱۳۸۶ الی مهر ۱۳۸۷) با فرض اینکه روند تغییرات تنش در سیستم مثل سال قبل



شکل ۷- همبستگی بار آبی محاسباتی و مشاهداتی در چاه های پیزومتر



شکل ۸- مقایسه هیدروگراف محاسباتی و مشاهداتی در زمان صحت سنجی از مهر ۸۵ الی مهر ۸۶

از پارامترهای موثر در تخمین سطح آب زیرزمینی می باشد، در طی مرحله واسنجی به دست آمد، شاید تراز مشاهده شده در پایان سال ۱۳۹۱ آن چنان که باید و شاید با واقعیت تطابق نداشته باشد چرا که میزان تغذیه و تخلیه در طی سال های مختلف متغیر می باشد. اما با این وجود می توان با اعمال سناریوهای مختلف و همچنین اعمال تنش های متفاوت به آبخوان، وضعیت سطح ایستابی را پیش بینی کرد.

پیش بینی تراز سطح آب زیرزمینی

برای پیش بینی وضعیت آبخوان ابتدا باید شرایط احتمالی را به صورت لایه های اطلاعاتی برای مدل تعریف نمود. این شرایط را می توان با در نظر گرفتن اهداف ویژه یا وضعیت عادی ایجاد کرد. در این تحقیق رفتار سیستم تا مهر ماه ۱۳۹۱ پیش بینی شده است. لایه های اطلاعاتی مورد نیاز بر اساس تغییرات سال آخر واسنجی تهیه شده است. خطوط تراز سطح آب زیرزمینی در پایان سال ۱۳۹۱ در شکل (۹) آورده شده است. چون میزان تغذیه که یکی



شکل ۹- نتیجه اعمال تخلیه از آبخوان با ادامه روند کنونی پس از پنج سال (مرداد ۱۳۹۱)

برخوردار است و سنگ کف حالت کاسه‌ای دارد. در پای ارتفاعات بینالود میزان تغذیه محاسبه شده نسبت به سایر مناطق بیشتر بوده و دلیل آن سیلاب‌های فصلی است که از ارتفاعات وارد این مناطق می‌شود و میزان نفوذ در این مناطق را افزایش می‌دهد. مشکل ورود اطلاعات مربوط به میزان تخلیه از چاه‌ها و قنوت‌های یکی از معایب مدل می‌باشد. در این دشت تعداد منابع تخلیه بسیار زیاد بوده و وارد کردن میزان تخلیه هر چاه به صورت دستی به سلول متناظر آن، هم زمان زیادی از کاربر می‌گیرد و هم باعث ایجاد خطا در مدل می‌شود. با ادامه روند تخلیه از چاه‌های منطقه در بعضی از مناطق شاهد خالی شدن سفره آب زیرزمینی و همچنین افت کیفیت ذخایر آب خواهیم بود.

نتیجه گیری

نتایج نشان داد که دشت نیشابور از ضرایب هیدرودینامیکی نسبتاً بالایی برخوردار است. این خصوصیت می‌تواند در اجرای طرح‌های تغذیه مصنوعی در این دشت بسیار مؤثر باشد. همچنین به دلیل وجود همبستگی بالا بین داده‌های مشاهده‌ای و محاسبه‌ای مدل، نتایج واسنجی در تمامی چاه‌های مشاهده‌ای قابل قبول می‌باشد. بررسی‌ها نشان داد که سطح آب زیرزمینی دشت نیشابور به شدت در حال افت می‌باشد که دلیل آن برداشت بیش از اندازه از سفره آب زیرزمینی دشت نیشابور می‌باشد، ضمن اینکه شدت این افت در مناطق مختلف با توجه به میزان تغذیه و تخلیه آبخوان متفاوت است. بررسی نقشه هم ارتفاع سنگ کف آبخوان دشت نیشابور نشان می‌داد که سنگ کف از پستی و بلندی‌های زیادی

منابع

- ۱- ایزدی، ع. ۱۳۸۷. کاربرد مدل‌های شبکه عصبی مصنوعی در پیش‌بینی سطح آب زیرزمینی (مطالعه موردی دشت نیشابور)، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته آبیاری و زه‌کشی، گروه مهندسی آب دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۲- سیادت، مقدم ج، ۱۳۸۲. مدل کمی آب زیرزمینی شهر مشهد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده فنی دانشگاه خواجه نصیر.
- ۳- مهجوری مجد، ن.، ف غضبان، ف. و م اردستانی. ۱۳۸۵. کاربرد مدل الگوریتم ژنتیک و شبکه‌های عصبی مصنوعی در مدیریت کمی و کیفی منابع آب زیرزمینی. مجموعه مقالات دومین کنفرانس مدیریت منابع آب، ۳ الی ۴ بهمن، دانشگاه صنعتی اصفهان.
- ۴- مهدوی، ر.، ج عابدی، ج.، رضایی، م. و عبدالحسینی. ۱۳۸۳. مکان یابی محل‌های مناسب تغذیه مصنوعی منابع آب زیرزمینی از طریق RS و GIS. دومین کنفرانس ملی دانشجویی منابع آب و خاک، ۲۳ تا ۲۴ اردیبهشت ماه، دانشگاه شیراز، صفحات ۲۴۰-۲۳۳.
- ۵- ولایتی، س. ۱۳۷۹. مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تغییرات کیفی آبخوان دشت نیشابور. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱۵.
- 6- Coulibaly, P., Anctil, F., Aravena, R. and B. Bernard 2001. Artificial neural network modeling of table depth fluctuation. Journal of Hydrology. 307(4): 11-92

- 7- Daliakopoulos, I. N., Coulibaly, P. and I. K. Tsanis 2004. Groundwater level forecasting using artificial neural network. *Journal of Hydrology* 309(4): 229-240
- 8- Kavvas, M., Papadopoulos, B. and N. Kalteziotis 1994. Geotechnical properties of the ptolemais lignite. *Geotechnical and Geological Engineering*. 12(2): 87-112.
- 9- Manzione, R. L., Knotters, M. and heuvelink, G. B. M., 2006. Mapping trends in water table depths in a Brazilian Cerrado area. 7Th Internaional Symposiuom on Spatial Accuracy Assuracy in Natural Resources and Environmental Scienes, Pages 449-458.
- 10- Raterman, B., Schaars, F. W. and M. Griffioen 2005. GIS and MATLAB integrated for groundwater modeling.
- 11- Seibert, J., Bishop, K. H. and Nyber, G. L. 1998. A test of TOPMODEL ability to predict spatially distributed groundwater levels" *Hydrological Processes*, 11(9): 1131-1144.
- 12- Struass, S. and Puckorius, P. 1984. Cooling Water Treatment for control of scaling Fouling. Corrosion. Special Report in Power June.
- 13- Thorley, M. and P. Callander. 2005. Christchurch city groundwater model. Environment Canterbury Report, U05/53, 10 pp.
- 14- Todd W. R. and R. B. Kenneth. 2001. Report: Delineation of capture zones for municipal wells in fractured dolomite, Sturgeon Bay, Wisconsin, USA. *Hydrogeology Journal*, 9:432-450.
- 15- Vazquez-Amabile, G. G. and B. A. Engel. 2005. Use of SWAT to compute groundwater table depth and stream flow in the Muscatatuck river watershed. *American Society of Agricultural Engineers*, 48(3): 991-1003.
- 16- Wen, X.H. Wu, Y. Q., Lee, L. J., Su, J. P. Wu. 2007. Groundwater flow modeling in the Zhangye Basin, Northwestern China. *Environmental Geology*, 53:77-84.